سه‌شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۳۴۴ ■ سال بیست و نهم

PDF Compressor Free Version

امنیت تأمین سوخت در معرض خطر جدی نیست

دبیر کل فدراسیون صنعت نفت گفت: ما در محاصره دریایی هستیم و امکان صادرات نداریم؛ بنابراین وقتی نمی‌توانیم محصول را صادر کنیم، ظرفیت انبارها هم با گذشت زمان تکمیل و محدود می‌شود. پس نمی‌توانیم به‌سادگی هر مقدار نفتی را که صادر نمی‌شود به محصول تبدیل کنیم.

عرفان افاضلی درباره تبعات شرایط کنونی فروش نفت و احتمال صفر شدن صادرات از نظر فنی برای چاه‌های نفتی و مخازن ذخیره اظهار داشت: از نظر فنی وقتی صادرات نفت نداشته باشیم، با یک بن‌بست تولید مواجه می‌شویم؛ یعنی یا باید تولید را کاهش دهیم و یا کلا متوقف کنیم. اگر چاه‌ها برای چند روز یا چند هفته با کاهش تولید مواجه شوند یا فعالیتشان متوقف شود، رسوبات در اطراف محدوده مشبک‌کاری شده مخزن در عمق ۲ تا ۳ هزار متری تشکیل می‌شود. این رسوبات به تدریج بیشتر می‌شوند و برای بازگرداندن چاه‌ها به مدار تولید، حتما نیاز به فرآیندهای پرهزینه مثل اسیدشویی و عملیات تحریک داریم تا آسیب‌های ناشی از توقف تولید برطرف شود. علاوه بر این، استقرار دکل‌ها و تجهیزات خاص زمان‌بر و بسیار گران است. در مورد مخازن هم، اگر تولید نفت کم شود، مخزن تحت فشار قرار می‌گیرد اگرچه بخشی از افت فشار قبلی به صورت



جزئی جبران می‌شود اما در مورد مخازن گازی ماجرا برعکس است؛ در گاز، آسیب مستقیما به چاه وارد می‌شود و مسئله hold up مایعات همراه گاز چالش‌زا است.

دبیر کل فدراسیون صنعت نفت ایران درباره اینکه آیا امکان این وجود دارد که نفتی را که صادر نمی‌کنیم، به جای ذخیره کردن، به سمت پتروشیمی‌ها و پالایشگاه‌ها هدایت کنیم تا به محصول تبدیل شود؟ تصریح کرد: ما دو سوم نفت خود را مصرف داخلی می‌کنیم و یک‌سوم آن را صادر می‌کنیم. اما مشکل اصلی ظرفیت ذخیره‌سازی است. مخازن رو زمینی برای نگهداری محصولات پالایشگاهی مثل بنزین، گازوئیل و نفت کوره ظرفیت محدودی دارند؛ در مورد پتروشیمی‌ها هم اگرچه ظرفیت ذخیره‌سازی از دست نرفته، اما انبارهای محصولات با محدودیت دپوی محصول مواجه هستند.

وی ادامه داد: از طرفی ما در محاصره دریایی هستیم و امکان صادرات نداریم؛ بنابراین وقتی نمی‌توانیم محصول را صادر کنیم، ظرفیت انبارها هم با گذشت زمان تکمیل و محدود می‌شود. پس نمی‌توانیم به‌سادگی هر مقدار نفتی را که صادر نمی‌شود، به محصول تبدیل کنیم.

افاضلی درباره احتمال چالش در زمینه امنیت تأمین سوخت نیز توضیح داد: در حال حاضر پالایشگاه‌ها با حداکثر ظرفیت در حال فعالیت هستند و با توجه به شبکه گسترده خطوط لوله، تصور نمی‌کنم امنیت تأمین سوخت در معرض خطر جدی باشد. اما باید واقع‌بین باشیم؛ رشد مصرف بنزین نسبت به تولید بیشتر بوده و ما در حال حاضر با یک کسری روزانه مواجه هستیم. البته با استفاده از ذخایر، این کسری‌ها جبران می‌شود. اگر فعالیت خصمانه‌ای صورت بگیرد، احتمالا در میان‌مدت با کاهش تردد روبرو خواهیم بود و نگرانی‌ای بابت تأمین سوخت وجود ندارد، هرچند در روزهای ابتدایی ممکن است با افزایش تقاضا مواجه شویم.

وی تاکید کرد: باتوجه به اینکه اکنون روزانه در بخش بنزین کسری داریم، مردم باید روی مصرف خود کنترل داشته باشند. طرح‌های قیمتی هم که تا حدی مصرف را کنترل کرده و بر قاچاق اثر گذاشته اما تا زمانی که به تعادل تولید برسیم و این سرمایه ملی را حفظ کنیم، فعلا این ناترازی ادامه خواهد داشت.

چالش توسعه بازار رقابتی برق

توسعه بازار رقابتی برق صرفاً با صدور مجوز و گسترش معاملات محقق نمی‌شود. تا زمانی که زیرساخت تبادل داده متناسب با الزامات قانونی توسعه نیابد، یکی از مهم‌ترین موانع رشد بازار برق همچنان پابرجا خواهد ماند. در حالی که قانون برنامه هفتم، وزارت نیرو را مکلف کرده سهم معاملات برق در بورس انرژی را تا پایان برنامه به حداقل ۶۰ درصد برساند، خرده‌فروشان برق، تجمیع‌کنندگان برق سبز و فعالان بهینه‌سازی انرژی همچنان با مانع دسترسی به اطلاعات مصرف و تولید مواجه‌اند. این تناقض پرسشی جدی ایجاد می‌کند: چگونه می‌توان توسعه بازار برق را مطالبه کرد، اما زیرساخت اطلاعاتی مورد نیاز بازیگران آن را فراهم نکرد؟

مطابق بند «ب» ماده ۴۳ قانون برنامه هفتم پیشرفت، سهم معاملات برق در بورس انرژی باید تا پایان سال دوم برنامه به حداقل ۳۰ درصد و تا پایان برنامه به ۶۰ درصد برسد. آیین‌نامه اجرایی این بند، مصوب اردیبهشت ۱۴۰۵، خرده‌فروشان، کاروران انرژی و تجمیع‌کنندگان را نیز به رسمیت شناخته است. بااین‌حال، صدور مجوز و ایجاد بستر معاملات، بدون دسترسی استاندارد و ضابطه‌مند به داده‌های انرژی، برای توسعه واقعی بازار کافی نیست.

تصمیم‌گیری بدون اطلاعات مصرف

خرده‌فروشان برای پیش‌بینی نیاز صنایع و تنظیم قراردادهای تأمین، به اطلاعاتی مانند قدرت قراردادی، دیماند ثبت‌شده، الگوی مصرف، تعرفه و سوابق صورتحساب نیاز دارند.

اهمیت این مسئله با اجرای آیین‌نامه بند «ب» ماده ۴۳ برنامه هفتم دوچندان شده است. مطابق ماده ۲ این آیین‌نامه، مشترکان دارای قدرت قراردادی ۱۵۰ کیلووات و بیشتر موظف‌اند برق مورد نیاز خود را از طریق بورس انرژی یا شرکت‌های خرده‌فروش مجاز تأمین کنند؛ الزامی که در ادامه به مشترکان ۳۰ کیلووات و بیشتر نیز گسترش می‌یابد. اما تناقض اساسی همین‌جاست: چگونه می‌توان مشترکان را به تامین برق از سازوکارهای جدید ملزم کرد، درحالی‌که خرده‌فروشان برای دسترسی به اطلاعات مصرف، دیماند و صورتحساب همان مشترکان با موانع اداری مواجه‌اند؟ اجرای مؤثر این تکلیف قانونی، بدون فراهم‌کردن زیرساخت تبادل داده، با دشواری جدی روبه‌رو خواهد شد. نبود دسترسی به این داده‌ها می‌تواند به برآورد نادرست نیاز برق، افزایش هزینه تأمین و تصمیم‌گیری اقتصادی نامناسب منجر شود.

چرا فعالان قانونی بازار برق باید برای دریافت اطلاعات ضروری فعالیت خود، همچنان گرفتار فرایندهای تکراری و زمان‌بر باشند؟

در مهر ۱۴۰۴، ساتبا از ابلاغ دستورالعمل ایجاد نهاد تجمیع‌کننده برق تجدیدپذیر یا «نیروگاه مجازی» در تابلوی سبز بورس انرژی خبر داد. اما تجمیع‌کنندگان برای مدیریت نیروگاه‌های خورشیدی کوچک، تنها به ظرفیت اسمی نیاز ندارند؛ اطلاعات تولید واقعی، انرژی تزریق‌شده به شبکه، سوابق عملکرد و داده‌های مرتبط با تعهدات معاملاتی نیز ضروری است.

بدون دسترسی منظم به این اطلاعات، پیش‌بینی انرژی قابل عرضه، مدیریت سبد نیروگاهی و تطبیق داده‌های تسویه با دشواری مواجه می‌شود.

تعریف قانونی نیروگاه مجازی، بدون فراهم‌کردن زیرساخت تبادل داده تولید، می‌تواند فاصله میان مقررات و اجرای واقعی بازار را افزایش دهد.

صرفه‌جویی بدون داده چگونه اثبات می‌شود؟

در پروژه‌های بهینه‌سازی، نصب تجهیزات جدید به‌تنهایی اثبات‌کننده صرفه‌جویی نیست. مطابق اصول پروتکل بین‌المللی اندازه‌گیری و صحه‌گذاری عملکرد انرژی (IPMVP)، میزان صرفه‌جویی باید از مقایسه مصرف واقعی با خط مبنای معتبر و اعمال تعدیلات لازم محاسبه شود.

دسترسی به سوابق مصرف برای تعیین خط مبنا، اندازه‌گیری و صحه‌گذاری صرفه‌جویی (M&V) و ارزیابی عملکرد پروژه اهمیت دارد. در برخی پروژه‌ها نیز اطلاعات قبض باید با اندازه‌گیری تجهیزات و داده‌های عملیاتی تکمیل شود.

وقتی داده معتبر در دسترس نباشد، ارزیابی نتایج و طراحی قراردادهای مبتنی بر عملکرد دشوار می‌شود؛ مسئله‌ای که مستقیماً بر تأمین مالی و بازگشت سرمایه تأثیر می‌گذارد. نمی‌توان از بخش خصوصی انتظار سرمایه‌گذاری در کاهش مصرف داشت، اما دسترسی به اطلاعات لازم برای اثبات نتیجه سرمایه‌گذاری را بلاتکلیف گذاشت.

راهکار پیشنهادی، ایجاد بستری امن برای تبادل اطلاعات است؛ به‌گونه‌ای که مشترک از طریق سامانه‌ای مانند «برق من» احراز هویت شود و به شرکت منتخب خود اجازه دسترسی به اطلاعات مشخصی از مصرف و صورتحساب را بدهد. این دسترسی باید دارای محدوده اطلاعاتی، مدت اعتبار، امکان لغو رضایت و قابلیت ثبت سوابق باشد. سازوکاری مشابه نیز برای داده‌های تولید نیروگاه‌های طرف قرارداد تجمیع‌کنندگان ضروری است.

حفظ محرمانگی اطلاعات نباید به توجیهی برای تداوم مکاتبات کاغذی و فرایندهای فرسایشی تبدیل شود. اجرای این راهکار مستلزم تعیین مسئولیت روشن میان وزارت نیرو، توانیر، شرکت مدیریت شبکه برق ایران، شرکت‌های توزیع و ساتاست.

پرسش نهایی این است: وزارت نیرو چگونه قصد دارد سهم معاملات برق در بورس انرژی را افزایش دهد، درحالی‌که سازوکار استاندارد دسترسی به اطلاعات ضروری این معاملات هنوز فراهم نشده است؟

توسعه بازار رقابتی برق صرفاً با صدور مجوز و گسترش معاملات محقق نمی‌شود. تا زمانی که زیرساخت تبادل داده متناسب با الزامات قانونی توسعه نیابد، یکی از مهم‌ترین موانع رشد بازار برق همچنان پابرجا خواهد ماند.

شفاف‌سازی هزینه سوخت نیروگاهی در قبوض برق

شرکت توانیر با تشریح سازوکار محاسبه هزینه سوخت نیروگاهی در قبوض برق اعلام کرد: نیروگاه‌ها برای تولید برق، سوخت مصرف می‌کنند و بهای سوخت مصرفی خود را بر اساس نرخ‌های ابلاغی می‌پردازند. در همین راستا، هزینه سوخت نیروگاهی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قبض برق مشترکان، بر اساس مصوبات کارگروهی متشکل از سازمان برنامه و بودجه کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت نفت و وزارت نیرو تعیین می‌شود.در تعیین نرخ هزینه سوخت نیروگاهی، ملاحظات فنی و اقتصادی و همچنین سطح مصرف مشترکان مورد توجه قرار می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که مشترکان کم‌مصرف و مشترکانی که مصرف برق آنها در محدوده الگوی مصرف قرار دارد، کمترین تأثیر را از این هزینه می‌پذیرند.بر اساس نرخ‌های جدید ابلاغی، بهای برق مصرفی حدود ۷۵ درصد مشترکان خانگی کشور که در محدوده الگوی مصرف قرار دارند، به‌طور متوسط حدود ۷ هزار تومان در ماه است. همچنین برای مشترکانی که تا یک‌ونیم برابر الگوی مصرف برق استفاده می‌کنند و حدود ۱۵ درصد مشترکان را تشکیل می‌دهند، این رقم حدود ۲۲ هزار تومان در ماه برآورد می‌شود. بر این اساس، در مجموع حدود ۹۰ درصد مشترکان برق کشور، ماهانه رقمی در محدوده ۷ تا ۲۲ هزار تومان بابت هزینه‌های مرتبط با سوخت نیروگاهی پرداخت می‌کنند. منابع حاصل از این محل نیز صرف تأمین هزینه حمل‌ونقل سوخت به نیروگاه‌ها و توسعه ظرفیت نیروگاهی، به‌ویژه احداث و تکمیل نیروگاه‌های سیکل ترکیبی می‌شود. این نیروگاه‌ها با بهره‌گیری از ظرفیت بخش بخار، امکان تولید برق بیشتر بدون مصرف سوخت اضافی در این بخش را فراهم می‌کنند و به همین دلیل، در شرایط محدودیت تأمین سوخت، نقش مؤثری در افزایش بهره‌وری و پایداری تولید برق کشور دارند. تأکید می‌شود، تخصیص این منابع به تأمین زیرساخت‌های سوخت‌رسانی و توسعه ظرفیت‌های کارآمد تولید برق، گامی در جهت ارتقای بهره‌وری نیروگاه‌ها، کاهش وابستگی به سوخت و تقویت پایداری تأمین برق کشور به‌ویژه در دوره‌های محدودیت سوخت است.

مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پژو مدل ۱۴۰۲ به رنگ سفید روغنی K ۱۲۵ ۰۱۳۵۷۰۱ به شماره شاسی NAANA ۱۵ E ۸ PK ۲۴۶۵۱۱ به شماره پلاک ۲۵ – ۶۴۷ص ۱۴ بنام رامین حسن نژاد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. سراب

مفقودی ارومیه

برگ سبز- سندکمپانی خودروسواری سیستم: پراید تیپ: جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید – روغنی و شماره موتور ۳۴۵۹۵۵۶ وشماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۹۴۷۳۶۶۷ و شماره انتظامی ۱۷-۶۶۹ق۹۹ بنام محمد بشیری پر فرزند سلطانعلی به شماره ملی ۲۷۵۲۱۴۵۰۶۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی ارومیه

برگ سبز- سندکمپانی کامیون کشنده سیستم: امپاور تیپ: BD۵۰۰ مدل ۱۴۰۴ به رنگ سفید – روغنی و شماره موتور ISGE۵۴۹۰۱۴۸۰۵۲۱۶ وشماره شاسی NAGBD۵۰۰EST۰۰۳۲۴۷ و شماره انتظامی ۲۷-۴۹۷ع۲۱ بنام حسن رحیمی غفاربی فرزند علی به شماره ملی ۲۷۵۱۹۰۲۶۸۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی

سند کمپانی و سند مالکیت (برگ سبز) موتور سیکلت انژکتوری سیستم: کی وی تیپ: ۲۴۹NK به رنگ: مشکی مدل: ۱۴۰۳ به شماره موتور ۰۲۴۹N۲۳۴۰۲۲۷۱ و شماره تنه: N۲۳۶MAJDFR۱B۰۱۲۷۷ به شماره پلاک ایران ۱۵۷-۴۱۱۹۲ متعلق به حمیدرضا خال به شماره ملی ۰۴۹۲۲۸۰۶۳۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.